

مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

نویسنده : معصومه حق شناس

۶

امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی ، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (social capital) نیز مورد توجه قرار گرفته است . سرمایه اجتماعی ، یا بعد معنوی یک اجتماع ، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی ، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع ، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد.

در واقع ، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی ، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود . بدون سرمایه اجتماعی ، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد ، به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی ، بدون سرمایه اقتصادی و صرفا با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند ، اما هیچ مجموعه انسانی ، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد.

از سوی دیگر ، سرمایه اجتماعی ، به زندگی فرد ، معنی و مفهوم می بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می کند . پس به طور کلی می توان گفت : هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد ، آن ملت ، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود.

برخی از ابعاد جنبه ها و اشکال سرمایه اجتماعی - که گاه از آنها به عنوان ارزش های اجتماعی نیز یاد می شود - عبارت اند از : اعتماد ، صداقت ، حسن تفاهم ، سلامتی نفس ، هم دردی ، دوستی ، همبستگی ، فداکاری و این ابعاد از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل ، تبادل عقاید ، تبادل اطلاعات ، هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه های اجتماعی ، مشارکت های مردمی ، گروه های خودیاری و نوع دوستی و روحیه جمع گرایی در برابر فردگرایی ، و ... بین اعضای شبکه های اجتماعی شکل می گیرد ، به طوری که جای پای این بحث را در روابط تمامی گروه های اجتماعی از قبیل : مذهبی (مسجد ، کلیسا) ، ورزشی (باشگاه ها) ، مدنی (انجمن ها ، اتحادیه ها ، احزاب و رسانه های مستقل) ، آموزشی و تربیتی (مدارس ، دانشگاه ها) و در روابط همسایگی ، دوستانه ، شغلی و خانوادگی نیز می توان مشاهده کرد.

در ادامه مقاله ، ضمن اشاره به زمینه های تاریخی کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی ، و تبیین و تحلیل مبانی نظری ، بررسی ابعاد و مؤلفه های گوناگون سرمایه اجتماعی و آثار سرمایه اجتماعی نیز پرداخته شده است.

زمینه تاریخی سرمایه اجتماعی

ظاهراً بحث سرمایه اجتماعی ، اولین بار ، قبل از سال ۱۹۱۶ ، توسط هانی فان ، از دانشگاه ویرجینیای غربی (در امریکا) مطرح شد؛ اما علی رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی ، تا سال ۱۹۶۱ که توسط جین جاکوب در برنامه ریزی به کار برده شد ، شکل جدی به خود نگرفت.

اگر بخواهیم کاربردها ، اهداف و تعاریفی را که در علوم اجتماعی از این مفهوم می شود ، دسته بندی کنیم و پیشینه این مفهوم را در آرای دانشمندان گذشته و حال جستجو نماییم ، باید این ردیابی را از کتاب «سرمایه» کارل مارکس آغاز کنیم . او در این کتاب به مسئله «همبستگی از روی اجبار و ضرورت» می پردازد . بدین معنی که شرایط منفی و بحرانی ، افراد را به سوی استفاده از انرژی و توانایی های بالقوه جمعی ، توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل های گروهی ترغیب می کند.

رویکرد دیگر ، در آرای جورج زیمل قابل بازشناسی است ، جایی که او از مفهوم «داد و ستد» یا «بده بستان» صحبت می کند . مبنای این نظریه بر این نکته استوار است که افراد ، توقع دارند تا کمک و لطفی که نشان می دهند ، جبران شود . برخی این مفهوم را در مقابل ایثار و دگرخواهی تعبیر می کنند.

رویکرد سوم که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری بر جای گذاشت ، مباحثی است که با امیل دورکیم آغاز و پس از او با تالکوت پارسونز پیگیری شد . این افراد به طرح مفهوم ارزش پرداختند؛ یعنی تعهداتی که مبنای آنها ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است . از جریانات فکری تأثیرگذار دیگر ، باید از ماکس وبر نام برد . مباحثی که وبر مطرح می کند ، مفاهیمی است که به مفهوم «اعتماد» معطوف است؛ یعنی آمادگی افراد برای این که در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به سایر افراد ، اعتماد داشته باشند و البته به همان نحو ، سایرین نیز باید از خود ، اعتماد نشان بدهند.

بدین ترتیب می بینیم که در ریشه یابی این مفهوم ، زمینه های متعددی تأثیرگذار بوده است.

تعاریف

امروزه نیز دانشمندان و نظریه پردازانی همچون : جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) و ... تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند . برای مثال ، پیر بوردیو ، سه نوع سرمایه را شناسایی نمود که عبارت از : سرمایه های اجتماعی ،

اقتصادی و فرهنگی بودند. او سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد.

همان گونه که ملاحظه می شود، این دیدگاه آخر در زمینه سرمایه اجتماعی، یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی، از دیدگاه بوردیو، اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت. اما جیمز گلمن، بر خلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی، از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کاربردی (و نه صرفاً ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند.

بنا بر این، گلمن بر خلاف بوردیو - که «سرمایه اقتصادی» را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفته بود - «سرمایه انسانی» را مهم تر دانسته، و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد.

پوتنام نیز یکی دیگر از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می دانست و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود.

اوا کاکس نیز در تعریف سرمایه اجتماعی گفت که این مفهوم به: «فرآیندهای بین فردی، که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می کنند» مربوط می شود که در نتیجه آن، منافع متقابل، افزایش می یابد. از نظر وی سرمایه اجتماعی قابل اندازه گیری است و منزلت اجتماعی سایر سرمایه ها را نیز در بر دارد.

و در نهایت، فوکویاما، سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت می بخشد و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو دوست می داند. او معتقد است که اعتماد، شبکه های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند، نه این که خود آنها سرمایه اجتماعی به حساب آیند. از نظر او هنجارهایی سرمایه اجتماعی هستند که به همکاری در گروه ها منجر شوند.

چند نکته

از تعاریفی که یاد شد و تحول آنها، چند نکته به دست می آید:

اول، این که عده ای منشأ سرمایه اجتماعی را ساختار اجتماعی می دانند و عده ای دیگر، ویژگی ها و یا هنجارهای اجتماعی محسوب می کنند. دوم، این که نتیجه و اثر سرمایه اجتماعی را عموماً بر تقویت هماهنگی و همکاری بین افراد یک گروه و سازمان با یکدیگر می دانند که به صورت منبع مولد مزیت و یا بازدهی در روابط اجتماعی از آن نام می برند. نکته سوم، این که سرمایه اجتماعی را عموماً ترکیبی از اعتماد، هنجارهای متقابل اجتماعی و شبکه ارتباطی می دانند، با این تفاوت که فوکویاما معتقد است که: هنجارهای متقابل، سرمایه اجتماعی را تولید می کنند و آن نیز به نوبه خود، اعتماد و جامعه مدنی را به وجود می آورد.

تعریف عمومی از سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه، تسهیل می کند. در واقع، می توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است.

عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده اند:

۱. عوامل نهادی: نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم، مؤثر واقع می شود و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته، ایجاد می کند، مانند: دولت که از طریق وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار، موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود.

۲. عوامل خودجوش: هنجارهایی که به صورت خودجوش، به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی، از گُنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمّدی نیستند، در این دسته قرار می گیرند.

۳. عوامل بیرونی: منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی هستند که از جایی، غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته اند، سرچشمه می گیرند، همچون: دین، مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی.

۴. عوامل طبیعی: در این گروه، دو دسته از عوامل «روابط خویشاوندی» و «همبستگی های قومی و نژادی» قرار می گیرند.

ابعاد سرمایه اجتماعی

در یک دسته بندی ، سرمایه اجتماعی به سه بُعد : ساختاری ، شناختی و ارتباطی تقسیم می شود که در ادامه به بررسی هر یک از این ابعاد می پردازیم.

۱. بعد ساختاری :

این بُعد ، به سه دسته زیر تقسیم می شود:

الف : پیوندهای موجود در شبکه ، شامل : وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه.

ب : شکل و ترکیب شبکه ، شامل : سلسله مراتب شبکه ، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه.

ج : تناسب سازمانی ، مثلاً : تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای یک هدف خاص ، ممکن است برای اهداف دیگر نیز استفاده شود.

۲. بعد شناختی :

این بعد که محور آن ، شناخت (یعنی فعالیّت های ذهنی ، عقلی و اندیشه ای) است ، با استفاده از زبان مشترک ، بینش مشترکی از اهداف و ارزش ها را برای اعضای شبکه فراهم می کند و مقدمه فعالیت بهینه آنان در نظام اجتماعی را فراهم می نماید و شامل : زبان ، علائم مشترک و روایت های مشترک است.

۳. بعد ارتباطی :

این بعد ، شامل مؤلفه هایی چون : اعتماد ، هنجارها ، تعهدات ، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است.

یک تقسیم بندی دیگر

دسته بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه «کِنِدی» در دانشگاه هاروارد ، انجام شده که در عین توجّه به متغیرهای تقسیم پیشین ، سرمایه اجتماعی را به گونه ها و ابعاد متنوع تری تقسیم نموده است:

۱. اعتماد :

الف : اعتماد اجتماعی : شامل اعتماد به افرادی مانند : همسایه ، همکار ، فروشنده یک فروشگاه ، یک هم کیش ، پلیس و خلاصه همه کسانی است که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستیم.

ب : اعتماد میان نژادهای مختلف : ممکن است سرمایه اجتماعی ، میان نژادهای مختلف (سیاه ، سفید ، زرد) بررسی شود و میزان اعتماد نژادها به همدیگر سنجیده شود.

۲. مشارکت سیاسی :

الف : مشارکت سیاسی عادی : این نوع مشارکت را می توان از روی تعداد رأی دهنده ، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه ها ، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی روز و ... مورد اندازه گیری قرار داد.

ب : مشارکت سیاسی نقادانه : ممکن است مشارکت سیاسی عادی یک جامعه در حد پایینی باشد ، ولی همین جامعه از لحاظ مشارکت سیاسی نقادانه ، سطح بالایی داشته باشد و افراد در فعالیت هایی مثل : راهپیمایی ها ، اعتصابات ، تحریم ها ، تجمع ها ، انقلاب سیاسی و ... حضور فعال داشته باشند.

۳. مشارکت و رهبری مدنی :

الف : رهبری مدنی : نقش رهبری افراد در گروه ها ، باشگاه ها ، انجمن ها و امور شهر یا مدرسه و دانشگاه و نظایر اینها - که اشکال مختلف مشارکت مدنی هستند - ، گونه ای از سرمایه اجتماعی است.

ب : مشارکت مدنی : یعنی افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه های مذهبی ، باشگاه های ورزشی ، سازمان های جوانان ، انجمن های مربوط به والدین ، گروه های و مؤسسات خیریه ، تعاونی ها و اتحادیه های کارگری ، فرهنگسراها و ... فعالیت می کنند.

۴. پیوندهای اجتماعی غیر رسمی :

این بعد ، بر خلاف بعد قبلی ، به سنجش جنبه های غیر رسمی سرمایه اجتماعی می پردازد ، مانند : تعداد دوستان یک فرد ، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری و خارج از آن ، مشارکت در بازی های گروهی ، دیدار از فامیل و ...

۵. بخشش و روحیه داوطلبی :

عضویت افتخاری شهروندان در سازمان های غیردولتی خدمات انسان دوستانه و همکاری افراد جامعه با نهادهای خیریه و داوطلبانه ، چه به صورت مالی و فکری و صرف وقت ، از این قبیل سرمایه های اجتماعی است.

۶. مشارکت مذهبی :

مذهب نقش خیلی مهمی در سرمایه اجتماعی ایفا می کند . افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ، ممکن است منشاء مشارکت باشند . مانند : فعالیت در امور مساجد و تکایا ، کلیساها و یا اماکن مذهبی و زیارتی .

۷. عدالت در مشارکت مدنی:

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد متمکن ، تحصیلات عالی و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر ، افراد فقیر در اولویت قرار دارند . از آن جا که این عوامل در سلامت جامعه مهم هستند ، اندازه گیری میزان تساوی افراد مختلف در مشارکت های اجتماعی ، حائز اهمیت است .

۸. تنوع معاشرت ها و دوستی ها:

هر چه فرد با : افراد ، طبقات و گروه های بیشتر و متعلق به نژادها و مذاهب مختلف در ارتباط باشد و با آنها رابطه دوستی برقرار کرده باشد ، به همان اندازه موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده است .

نتیجه

به طور کلی می توان گفت که : سرمایه اجتماعی یک ظرفیت ، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می بخشد . هر شبکه اجتماعی ، برای دستیابی به اهداف خود ، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی ، به عوامل مانند : اعتماد ، تعهد و مسئولیت پذیری و ... هم نیاز دارد که این عوامل ، همان سرمایه های اجتماعی هستند . حتی یک گروه از خلافکاران (مثل گروهی دزد یا قاچاقچی) هم برای موفقیت در کار خود به سرمایه اجتماعی و هنجارهایی مانند : رفتارهای اخلاقی ، قانونمداری ، خطرپذیری و اعتماد متقابل در بین اعضای گروه ، نیاز دارد . در واقع برای موفقیت دسته جمعی در امور غیر قانونی هم ، وجود سرمایه اجتماعی شرط است .

منابع:

« ۱. نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن » ، اندیشه صادق ، ش ۱۱ - ۱۲

« ۲. سرمایه اجتماعی » ، محسن رضایی ، بینش سبز ، شماره ۱۵

« ۳. سرمایه اجتماعی ، اصل محوری توسعه » ، سید مهدی الوانی - علیرضا شیروانی ، ماه نامه تدبیر ، شماره ۱۴۷ ، ص ۲۷ .

« ۴. سرمایه اجتماعی ، مفاهیم و نظریه ها» ، سید مهدی الوانی - میر علی سید نقوی ، فصل نامه مطالعات مدیریت ، شماره ۳۳ و ۳۴.

« ۵. درآمدی بر سرمایه اجتماعی» ، مهدی علاقبند ، نشریه الکترونیکی فصل نو.

« ۶. رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران »، محمود توسلی - علی نیاز ، مجله برنامه و بودجه ، شماره ۳.

« ۷. سرمایه اجتماعی» ، مریم یارمحمد توسکی ، پایگاه اینترنتی مؤسسه سرمایه اجتماعی (WWW.pscin.com).